

انتفاضة مسجد الاقصی

اهداف، دستاوردها، موانع

اسماعیل اقبال

عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

انتفاضة مسجد الاقصی، که به انتفاضة دوم معروف است، پدیده‌ای مهم و بی‌نظیر در تاریخ ۵۵ ساله منازعه اعراب و اسرائیل به شمار می‌آید. از زمان شروع انتفاضة دیدگاه‌ها و نظریات مختلفی در قبال آن ارائه شده است، زیرا با توجه به دخالت عامل جدیدی به حلقه مبارزات ملت فلسطین یعنی عملیات شهادت طلبانه، که ویژگی اصلی انتفاضة به شمار می‌آید، سوالات گوناگونی نیز در برابر آن مطرح شده است. انتفاضة چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ آیا تاکنون توانسته است آن را محقق سازد؟ این پدیده چه دستاوردهایی را محقق ساخته است؟ موانع پیش روی انتفاضة چیست؟ آیا حوادث ۱۱ سپتامبر بر این فرایند تأثیر داشته است؟ تحولات پس از حوادث ۱۱ سپتامبر تا چه حد این پدیده مهم را تحت الشعاع خود قرار داده است؟ اینها همه سؤالاتی است که این مقاله درصدد پاسخگویی بدان با نگاهی تحلیلی و علمی است.

مقدمه

انتفاضة مسجدالاقصى مهمترين تحول در منازعه اعراب و اسرائيل در پنجاه سال گذشته به شمار مي‌رود. اهميت اين پديده به دليل شكست و ناکامي است که اعراب و فلسطينی‌ها در پنجاه سال گذشته در به دست آوردن حقوق مشروع خود با آن روبه‌رو بوده‌اند. رژیم صهیونیستی بی توجه به قطعنامه‌ها و قوانین بین‌المللی همواره به سیاستهای خصمانه خود علیه فلسطينی‌ها ادامه داده به گونه‌ای که حاضر نشده است حداقل حقوق فلسطينی‌ها را تأمین کند. پس از وقوع انتفاضة، متغیرهای جدیدی وارد منازعه اعراب و اسرائيل گردید و این سؤال مهم را مطرح ساخت که آیا ملت فلسطين به منظور احقاق حقوق خود باید از همان روشهای گذشته استفاده کند یا اینکه گزینه انتفاضة، راه‌حل مناسبی برای تحقق هدفها و آرمانهای او به شمار می‌رود.

در این مقاله ابتدا اهداف انتفاضة مسجدالاقصى مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این بررسی بیانگر این نکته مهم است که قیام فلسطينی‌ها حرکتی کور و بدون هدف نیست، بلکه جنبشی آگاهانه و هدفدار است، جنبشی که برای تحقق آرمانها و هدفهای ملت فلسطين در موقعیتی مشخص شکل گرفته است. پس از بررسی این اهداف، دستاوردهای انتفاضة، در بخش دیگری از مقاله بررسی می‌شود. انتفاضة مسجدالاقصى در مدتی که از تاریخ آن می‌گذرد چه دستاوردهایی را محقق ساخته است؛ آیا تحول جدیدی در منازعه اعراب اسرائيل به وجود آورده است؛ آیا در مواضع رسمی کشورها و گروه‌های سیاسی، اعم از گروه‌های سیاسی داخل فلسطين و یا گروه‌های سیاسی سایر کشورها نسبت به فلسطين تغییری ایجاد کرده است؛ آیا در عرصه بین‌المللی به ارتقای قضیه فلسطين در افکار عمومی منجر شده است؛ آیا بر ساختارهای سیاسی و اجتماعی در داخل اسرائيل آثار و پیامدهایی در پی داشته است؟

در بخش آخر مقاله به مهمترين موانع و مخاطرات احتمالی که فراروی انتفاضة قرار

دارد، اشاره خواهد شد. فشارهای سیاسی و اقتصادی که علیه انتفاضه وجود دارد، در تنگنا قرار گرفتن ملت فلسطین از لحاظ اقتصادی، فشارهایی است که از سوی برخی رهبران عربی و یا فلسطینی برای توقف انتفاضه صورت می‌گیرد، خستگی مردم فلسطین و سرانجام عدم کمکهای مادی و تبلیغاتی لازم از سوی کشورهای عربی به انتفاضه، همه می‌تواند از خطرها و موانعی باشد که انتفاضه را تهدید می‌کند. چنانچه با این خطرها بطور شایسته‌ای برخورد نشود، ممکن است انتفاضه قبل از تحقق اهداف آن با شکست روبه‌رو شود.

مروری بر اهداف انتفاضه

بدون تردید هر قیام و جنبش اعتراض آمیزی، به دلیل اهداف و مقاصدی که رهبران و بدنه اصلی آن مردم دنبال می‌کنند به وجود می‌آید. بنابراین انتفاضه کنونی فلسطین، تصادفی و بدون هدف نیست، بلکه حرکتی هدفدار است. هر چند ظاهراً انتفاضه دوم در پی هتک حرمت حرم شریف توسط اریل شارون آغاز گردید، در اصل آنچه زمینه‌های لازم را برای وقوع انتفاضه فراهم ساخت درک و شناختی بود که ملت فلسطین از اوضاع سیاسی منطقه بویژه مسائل مربوط به روند صلح به دست آورده بود. فلسطینی‌ها پس از گذشت هفت سال از مذاکرات صلح بی‌ثمر میان رئیس تشکیلات خودگردان و رژیم صهیونیستی به این نتیجه رسیدند که مذاکرات و گفتگو نمی‌تواند هدفهای ملت فلسطین را محقق سازد. بنابراین باید به دنبال گزینه دیگری می‌بودند. با چنین وضعیتی اقدام شارون مبنی بر هتک حرمت مسجدالاقصی، فتیله آماده اشتعال را در فضایی که از گازهای قابل اشتعال پر شده بود، روشن ساخت.

در اینجا به مهمترین اهداف انتفاضه کنونی اشاره خواهد شد؛ انتفاضه مسجدالاقصی تا تحقق این اهداف استمرار خواهد یافت.

۱- آزادسازی اراضی اشغالی فلسطین

به رغم گذشت ده سال از گفتگوهای صلح میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، بسیاری از اراضی عربی بویژه اراضی فلسطینی‌ها در اشغال این رژیم است. رژیم اشغالگر براساس قرارداد اسلو باید تمامی اراضی فلسطین در کرانه باختری و نوار غزه را تحویل فلسطینی‌ها می‌داد و تا ماه مه ۱۹۹۹ کشور مستقل فلسطینی به پایتختی بیت‌المقدس تأسیس می‌شد. با اینکه تحقق چنین هدفی، در واقع تأمین حداقل حقوق فلسطینی‌ها در چارچوب قطعنامه‌های سازمان ملل متحد است، اسرائیل به دلیل سیاستهای توسعه طلبانه خود، حاضر به تأمین این حداقل حقوق برای ملت فلسطین نشده است لذا، انتفاضه الاقصی یکی از اهداف محوری خود را آزادسازی فلسطین از اشغال رژیم اشغالگر اسرائیل می‌داند.

بسیاری از تحلیلگران عرب، انتفاضه دوم فلسطین را، انتفاضه استقلال نام نهاده‌اند؛^(۱) بدین معنا که انتفاضه الاقصی باید بدون توجه به قرارداد اسلو و مفاد آن به منظور مهمترین آرمان ملت فلسطین، یعنی تشکیل کشور فلسطین، استمرار یابد. شروع انتفاضه و تداوم آن بدین معنا خواهد بود که ما هنوز در مرحله آزادسازی هستیم، موافقتنامه‌ها و قراردادهای امضا شده میان رژیم صهیونیستی و رهبران فلسطینی هنوز این هدف اساسی را محقق نساخته است. وقوع انتفاضه و استمرار آن، تأکید و تأیید این مهم است که مناطق فلسطینی هنوز تحت اشغال اسرائیل است. بنابراین امضای قرارداد اسلو و قراردادهای بعدی بدین معنا نیست که اراضی فلسطین آزاد شده و ملت فلسطین به حقوق خود رسیده است.

۲- بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین فلسطین

یکی از موضوعاتی که در کنار سایر موضوعات به مذاکرات نهایی موکول شده و در روند مذاکرات صلح بدان توجهی نشده بود، بازگشت آوارگان به سرزمین خود بوده

است. از آنجا که اسرائیل همواره می‌کوشد در چارچوب نگرش راهبردی خود، آوارگان فلسطینی هیچ‌گاه به سرزمین خود بازنگردند و در همان کشورهای که به سر می‌برند به زندگی خود ادامه دهند، از طرح جدی آن در مذاکرات سازش جلوگیری کرده است. براساس برخی آمارها تعداد جمعیت آوارگان فلسطینی به بیش از چهار میلیون نفر می‌رسد^(۲). این جمعیت در سراسر جهان و بخش عمده آنها در کشورهای عربی چون لبنان، اردن، سوریه و سایر کشورها به سر می‌برند. این آوارگان در وضعیت بسیار سختی زندگی می‌کنند. بخش عمده آنها در اردوگاه‌ها از حداقل امکانات زندگی محرومند. بنابراین توجه به این مسأله باید یکی از هدفهای محوری و اصلی انتفاضه باشد.

به رغم اینکه قطعنامه‌های بین‌المللی بر حق فلسطینی‌ها بر بازگشت به سرزمین خود تأکید دارد، از جمله قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل متحد که آشکارا بر این حق تأکید کرده است^(۳)، رهبران رژیم صهیونیستی اصرار می‌کنند که آوارگان فلسطینی در همان سرزمینهای عربی که به سر می‌برند، باید باقی بمانند. از دید بسیاری از رهبران رژیم صهیونیستی، سرزمینی به نام فلسطین برای بازگشت این آوارگان به آن وجود ندارد. آریل شارون، نخست‌وزیر کنونی که یکی از مأموریت‌های خود را سرکوب انتفاضه اعلام کرده، بر این باور است که پدیده‌ای به نام ملت فلسطین وجود دارد، اما کشوری به نام فلسطین وجود ندارد، بلکه سرزمین او در اراضی اردن است^(۴). در چنین وضعیتی بر تمامی رهبران فلسطینی و رهبران عربی لازم است انتفاضه را به منظور تحقق این هدف مهم یاری کنند. استمرار انتفاضه می‌تواند مجامع بین‌المللی را وادار سازد تا رژیم صهیونیستی را مجبور سازند که به این خواسته فلسطینی‌ها تن در دهد.

۳- توقف شهرک‌سازی در اراضی اشغالی

شهرک‌سازی از سوی رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی فلسطین بویژه در

بیت‌المقدس با هدف تغییر نقشهٔ دموگرافیک این مناطق صورت می‌گیرد. اسرائیل قصد دارد با استمرار سیاستهای شهرک‌سازی و انتقال یهودیان از سراسر جهان به طرحهای یهودی‌سازی خود سرعت بخشد. به رغم اینکه این سیاست از سوی مجامع بین‌المللی پذیرفته نشده است و بسیاری از رهبران جهان آن را محکوم کرده‌اند، اسرائیل به این سیاست ادامه داده است. یکی از عواملی که در روند مذاکرات صلح میان اسرائیل و فلسطین خلل ایجاد کرده، اصرار تل‌آویو مبنی بر ادامهٔ شهرک‌سازی در اراضی فلسطین بوده است.

براساس برخی از آمارها شهرکهای اسرائیلی که در مناطق فلسطینی بنا شده است، به ۱۴۵ شهرک می‌رسد و برخی دیگر از ۱۹۰ شهرک یهودی‌نشین خبر می‌دهد^(۵). از اهداف مهم اسرائیل از شهرک‌سازی، می‌توان به یهودی‌سازی مناطق فلسطینی بویژه بیت‌المقدس، جدایی مناطق فلسطینی از یکدیگر، قطع راه‌های مهم ارتباطی فلسطین و دستیابی رژیم صهیونیستی به منابع آبی مهم اشاره کرد.

وقوع انتفاضه و استمرار آن تا حدود زیادی توانسته است مانع سیاستهای شهرک‌سازی اسرائیل شود. براساس یک نظرخواهی که روزنامهٔ یدیعت آحرونوت قبل از عملیات شهادت‌طلبانهٔ تل‌آویو به عمل آورده است، نشان می‌دهد که ۶۴٪ از کسانی که در نظرخواهی شرکت کرده‌اند از نظر روانی ناراحت هستند و ۳۸٪ به فکر ترک اسرائیل هستند^(۶). همچنین برخی دیگر از آمارها نشان می‌دهد که شهرکهای یهودی‌نشین از سکنه خالی شده و مکانهای خالی در این شهرکها بین ۲۵ تا ۴۰٪ در نوسان است^(۷). «دانیال سیمون» در روزنامهٔ هاآرتص مورخ ۱۵/۵/۲۰۰۱ وضعیت کنونی شهرکها را چنین ترسیم کرده است:

«انتفاضه موجب ترس شهرک‌نشینها شده است. برخی از آنها بطور دائم این مناطق را ترک کرده‌اند و برخی دیگر موقت و تا زمانی که طوفان خشم در این مناطق ادامه دارد

به آن برنخواهند گشت. این پدیده در شهرکهای شمالی نوار غزه آشکارا وجود دارد»^(۸).

بدین ترتیب انتفاضه در تحقق یکی از اهداف مهم خود یعنی توقف شهرک‌سازی تا حدودی موفق بوده است، اما هنوز این هدف بطور کامل محقق نشده است. استمرار و تداوم انتفاضه می‌تواند زمینه را برای برچیدن تمامی شهرکهای صهیونیست‌نشین مهیا کند زیرا در سایه ترس و وحشتی که به این مناطق وارد شده است دیگر انگیزه‌ای برای مهاجرت یهودیان به این مناطق وجود ندارد.

۴- تأثیر بر رفتار جانبدارانۀ آمریکا نسبت به اسرائیل

ایالات متحده آمریکا هر چند به ظاهر به عنوان میانجی بیطرف در گفتگوهای صلح خاورمیانه بویژه گفتگوهای اسرائیلی - فلسطینی مشارکت دارد، در عمل این کشور جانبدارانه عمل می‌کند. آمریکا همواره کوشیده است منافع و مصالح رژیم صهیونیستی در منطقه حفظ شود. این سیاست از پنجاه سال پیش تاکنون استمرار داشته است. آمریکا در سازمان ملل متحد نیز همواره حامی اسرائیل بوده است. مؤید این امر اینکه از مجموع ۴۲ مورد توی پیش‌نویس طرح قطعنامه درباره خاورمیانه در شورای امنیت، ۲۸ مورد آن مربوط به آمریکا است^(۹).

آمریکا در خلال ماه‌های انتفاضه نیز به سیاست جانبدارانۀ خود ادامه داده است. آمریکا تمامی تلاشهای خود را بر آن داشته است تا انتفاضه هر چه سریعتر متوقف گردد. به دلیل خساراتی که رژیم صهیونیستی از انتفاضه متحمل شده است، آمریکا از این خواسته اسرائیل مبنی بر توقف خشونت‌ها قبل از هر مذاکره‌ای، حمایت می‌کند. چندماه پیش هنگامی که از مقامات آمریکایی خواسته شد تا به دلیل کشتار وحشیانه ملت فلسطین توسط اسرائیل، آمریکا دخالت کند، کالین پاول وزیرخارجۀ آمریکا آشکارا اعلام کرد که آمریکا هرگز هیچ فشار یا تحریم و مجازاتی را علیه اسرائیل وضع نخواهد کرد^(۱۰).

ملت فلسطین و رهبران انتفاضه با استمرار حرکت خود و اعمال فشار بر آمریکا باید این واقعیت را برای زمامداران آمریکا روشن کنند که با حمایت یکجانبه از اسرائیل و تنها به منافع و مصالح یک طرف منازعه اندیشیدن، هرگز صلح و آرامش را در خاورمیانه محقق نخواهد کرد. انتفاضه با استمرار خود می‌تواند آمریکا را وادار سازد که تنها در صورت اجرای قطعنامه‌های بین‌المللی توسط اسرائیل و تأمین حقوق مشروع فلسطینی‌هاست که مذاکرات صلح به سرانجامی مطلوب خواهد رسید.

دستاوردهای انتفاضه

هر چند تمامی اهداف انتفاضه الاقصی محقق نشده است، در دو سال گذشته انتفاضه توانسته است دستاوردهای مهمی را در سطح فلسطینی، عربی و بین‌المللی محقق سازد. در ماه‌های اخیر نگاه‌ها به فلسطین، در سایه انتفاضه دگرگون شده است. مواضع کشورهای منطقه و افکار عمومی جهان نگاهی متفاوت از نگاه گذشته به فلسطین دارد. در این قسمت از مقاله خواهیم کوشید مهمترین دستاوردهای انتفاضه را در دو سال گذشته مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم:

۱- آثار سیاسی انتفاضه بر تحولات داخلی اسرائیل

یکی از دستاوردهای مهم انتفاضه، آثار سیاسی است که این حرکت بر مسائل داخلی رژیم صهیونیستی داشته است. جامعه اسرائیلی که دژی محکم و شکست‌ناپذیر به حساب می‌آمد و رهبران آن خطر و تهدید را تنها در مرزهای این رژیم تصور می‌کردند، با وقوع انتفاضه طوفانهای سهمگینی در ساختار سیاسی این رژیم پدید آمد. انتفاضه در اولین ماه‌های خود چنان جامعه اسرائیل را نگران ساخت که سرنوشت انتخابات ۲۰۰۰ میلادی اسرائیل را تحت تأثیر قرار داد. باراک رقیب آریل شارون و تنها فردی که آمریکاییها برای به نتیجه رساندن گفتگوهای صلح، به او اعتماد داشتند، به دلیل وقوع

انتفاضه و پیامدهای آن در انتخابات اسرائیل شکست خورد. افکار عمومی اسرائیل به دلیل صدمات انتفاضه، فردی را به نخست‌وزیری برگزید که نه تنها در داخل اسرائیل چهره‌ای مطلوب نبود، بلکه در سطح بین‌المللی نیز از وجهه خوبی برخوردار نبود.

بدین ترتیب انتفاضه توانسته است بر معادلات سیاسی داخل اسرائیل آثار مهمی برجای نهد. این اثرگذاری تا جایی است که دو حزب مهم اسرائیل، کارگر و لیکود و یا احزاب کوچک دیگر مثل شاس برای تشکیل دولت وحدت ملی توانسته‌اند به توافقی دست یابند^(۱۱). این امر در نهایت به سقوط دولت باراک منجر شد و زمینه را برای برگزاری انتخابات زودرس در این رژیم فراهم ساخت.

دولت کنونی اسرائیل، اریل شارون نیز به هر قیمتی که شده است می‌خواهد انتفاضه را متوقف سازد. او در انتخابات ۲۰۰۰ میلادی اسرائیل با شعار تأمین امنیت، رقیب خود، باراک را شکست داد. او به مردم اسرائیل قول داد که در صد روز آینده انتفاضه را نابود خواهد ساخت^(۱۲). اما تاکنون دو سال از زمان روی کار آمدن شارون می‌گذرد ولی انتفاضه ادامه دارد و از امنیت برای صهیونیستها خبری نیست. استمرار انتفاضه و عملیتهای شهادت طلبانه موجب شده است تا دولت شارون با بحرانهای سیاسی بزرگی روبه‌رو شود. چنانچه انتفاضه بتواند همچنان به حرکت خود ادامه دهد بدون تردید شارون نیز سرنوشتی چون پیشینیان خود خواهد داشت. لازم به توضیح است مخالفت بن‌الیعزر رهبر حزب کارگر و وزیر دفاع شارون با بودجه پیشنهادی دولت برای سال ۲۰۰۳ که در آن برخی مزایای مالی به شهرکهای یهودی‌نشین اختصاص یافته بود، کابینه شارون را با مشکل فروپاشی قرار داد. پس از رد تقاضای رئیس حزب کارگر از سوی شارون، الیعزر و شیمون پرز وزیر خارجه در تاریخ ۳۰/۱۰/۲۰۰۲ از دولت ائتلافی شارون بیرون رفتند و شارون را با مشکلات سیاسی جدی روبه‌رو ساختند.

مطالبی که در دو سال گذشته در روزنامه‌های اسرائیل مبنی بر کناره‌گیری شارون از

قدرت درج می‌شود، از ناامیدی افکار عمومی این کشور از برقراری امنیت توسط شارون حکایت می‌کند.

«جرز الیم پست» در یکی از عناوین برجسته خود چنین نوشته است: «چنانچه شارون نمی‌تواند حکومت کند، آن را برای دیگری رها کند»^(۱۳). در روزنامه دیگر اسرائیلی برخورد یک مادر یهودی که فرزند و شوهرش در عملیات شهادت طلبانه کشته شده‌اند به چشم می‌خورد. این زن یهودی در حضور رئیس ستاد ارتش اسرائیل خطاب به شارون می‌گوید: «تو به ما وعده امنیت دادی اما در عمل به آن شکست خوردی، فرزند من کشته شده است و شوهرم دو ماه قبل از آن کشته شد، پس تو برای ما چکار کرده‌ای»^(۱۴). تشدید بحرانهای سیاسی در داخل اسرائیل، مخالفت افکار عمومی با سیاستهای دولت و عدم توافق میان گروه‌های سیاسی داخل اسرائیل همه از دستاوردهای مهمی است که در سایه انتفاضه مسجدالاقصی محقق شده است. انتفاضه ثابت کرد که جامعه اسرائیل آن‌گونه که رهبران این رژیم ادعا می‌کنند دژ شکست‌ناپذیر نیست، بلکه از ضعفهای بسیار زیادی رنج می‌برد و در معرض مشکلات جدی قرار دارد.

۲- انتفاضه و تشدید مشکلات اقتصادی اسرائیل

یکی دیگر از دستاوردهای انتفاضه مسجدالاقصی، تشدید مشکلات داخلی اسرائیل است. اسرائیل که از کمکهای گسترده یهودیان جهان بویژه کمکهای گسترده آمریکا برخوردار است، با پشتوانه بزرگ مالی توانسته است به سیاستهای تجاوزکارانه خود علیه فلسطینی‌ها ادامه دهد. با وقوع انتفاضه و استمرار آن، اقتصاد رژیم صهیونیستی دچار مشکلات و خسارات زیادی شده است. اسرائیل در سال ۲۰۰۰ میلادی پیش از شروع انتفاضه، از رشد خوبی برخوردار بوده است. سرمایه‌گذاری خارجی در این رژیم به میزان ۲۷٪ افزایش یافته بود^(۱۵)، اما پس از وقوع انتفاضه، حوزه‌های گوناگون اقتصادی کشور اعم از جهانگردی، بخش ساختمان، و کشاورزی دچار خسارات

زیادی شده است. ۶۳ هزار اسرائیلی شغل خود را از دست داده‌اند. کارشناسان خاطر نشان کرده‌اند که میان رکود اقتصادی و مسائل امنیتی ارتباط نزدیکی وجود دارد. این کارشناسان استدلال کرده‌اند که تنها در ده ماه اول انتفاضه (اکتبر و نوامبر) سرمایه‌گذاریهای خارجی در رژیم اشغالگر قدس تا ۴ میلیارد دلار کاهش یافته است (۱۶).

از سوی دیگر به دلیل وابستگی اقتصاد تشکیلات خودمختار فلسطین به اقتصاد این کشور، ۴۰٪ از نیروی کار صنعتی اسرائیل از مناطق خودمختار تأمین می‌شود. در حدود صد هزار کارگر فلسطینی بطور دائم در اقتصاد اسرائیل فعالیت می‌کنند (۱۷). انتفاضه موجب شده است تا به این ارتباط اقتصادی خلل وارد شود، امری که بخشهای مختلف اقتصادی کشور را با مشکل روبه‌رو ساخته است. وزیر اقتصاد مجموع خساراتی را که در هشت ماه اول انتفاضه، بر اقتصاد اسرائیل وارد شده است، هفت میلیارد دلار برآورد می‌کند (۱۸). بدین ترتیب اگر رهبران رژیم صهیونیستی همواره از توقف خشونت سخن می‌گویند و اصرار بر این دارند تا قبل از شروع هر نوع مذاکره‌ای خشونت متوقف گردد، این به دلیل مشکلات اقتصادی زیادی است که در اثر انتفاضه برای این رژیم پدید آمده است.

۳- انتفاضه و شکست بازدارندگی اسرائیل

استراتژی بازدارندگی یکی از راهبردهای مهم رژیم اشغالگر از زمان تأسیس تاکنون بوده است. این رژیم به دلیل غصب سرزمین فلسطین و عدم پذیرش از سوی کشورهای منطقه همواره در نگرانی مفرط به سر برده است. رهبران رژیم صهیونیستی همواره بر این راهبرد تأکید داشته‌اند که با دستیابی به سلاحهای پیشرفته بویژه سلاح اتمی می‌توان کشورهای عربی و اسلامی را از هر نوع رفتار خصمانه‌ای علیه این رژیم بازداشت. شیمون پرنخست‌وزیر اسبق این کشور بر این نکته تأکید کرده است که برنامه‌های

هسته‌ای اسرائیل عامل بازدارندگی مؤثر و مطلوبی نزد کشورهای عربی به حساب می‌آید^(۱۹).

به رغم تلاش وسیعی که رژیم اشغالگر برای افزایش اعتبار بازدارندگی خود به عمل آورده است و در سایه این بازدارندگی توانسته بود اعراب را به پای میز مذاکره بکشاند، ناگهان با انتفاضه ملت فلسطین روبه‌رو شد. انتفاضه اول در سال ۱۹۸۷ و انتفاضه مسجدا لاقصی در سال ۲۰۰۰ میلادی و عقب‌نشینی نیروهای رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در اثر عملیاتهای مقاومت لبنان، اعتبار بازدارندگی اسرائیل را بطور جدی به چالش کشید. با توجه به نظریه بازدارندگی، یکی از هدفهای کشور بازدارنده این است که طرف مقابل از وارد شدن به هر نوع درگیری نظامی بپرهیزد؛ بدین معنا که پس از اینکه طرف مقابل به این نتیجه رسید که خسارات جنگ از دستاوردهای مثبت آن بسیار بیشتر است، در این صورت به طور قطع از دست زدن به اقدام نظامی خودداری خواهد کرد^(۲۰).

صرف وقوع انتفاضه و آغاز درگیری میان فلسطینی‌ها و نیروهای اسرائیل دلیلی محکم بر شکست بازدارندگی این کشور است. چون اسرائیل به رغم دستیابی به سلاحهای متعارف و غیرمتعارف نتوانست ملت بی‌سلاح فلسطین را از توسل به درگیری در برابر خود بازدارد. تواناییهای گسترده اسرائیل در زمینه‌های تسلیحاتی بویژه اتمی، نه تنها موجب ترس و نگرانی میان فلسطینی‌ها نشده است، بلکه اراده فلسطینی‌ها را برای ادامه مبارزه تا تحقق حقوق مشروع و استوارتر ساخته است. مهمترین دستاورد انتفاضه این است که رژیم صهیونیستی در ابتدا پیش‌بینی می‌کرد با وارد ساختن فلسطینی‌ها در جنگ فرسایشی، قیام آنها را برای همیشه متوقف خواهد کرد. امروز پس از گذشت دو سال از انتفاضه، شاهد اظهار نگرانی برخی مقامات رژیم صهیونیستی هستیم که بیان می‌کنند استمرار انتفاضه تواناییهای ما را تحلیل خواهد برد. دان‌گلدشتاین

در روزنامه معاریو می‌گوید، جنگ طولانی تواناییهای اسرائیل را به تحلیل خواهد برد و مقاومت نیروهای ما را ضعیف خواهد کرد^(۲۱). شلومو جازیت در جرزالم پست (مورخ ۲۲/۵/۲۰۰۱) می‌گوید: «اگر درگیری و جنگ به شکل کنونی استمرار یابد، برتری به نفع فلسطینی‌ها خواهد بود^(۲۲)». «حیم جوری» در روزنامه یدیعوت آحرنونت (مورخ ۲۲/۵/۲۰۰۱) با صراحت می‌گوید: «جنگهای فرسایشی همواره به ضرر ما بوده است. به رغم اینکه ما موفقیت‌هایی را در جنگهای متحرک و مانورها محقق ساخته‌ایم، اگر جنگی طولانی روی دهد، همواره به نفع دشمنان ما خواهد بود^(۲۳)».

۴- انتفاضة و وحدت کشورهای عربی و اسلامی

یکی دیگر از دستاوردهای انتفاضة، وحدت و انسجامی است که در مواضع کشورهای عربی و اسلامی به وجود آمده است. رژیم صهیونیستی همواره کوشیده است از وضعیتی که به وحدت و یکپارچگی کشورهای عربی و اسلامی بویژه در برابر مسئله فلسطین منجر می‌شود، جلوگیری کند. الگویی که اسرائیل در روند کنونی صلح ارائه داده بر امضای قرارداد صلح با هر یک از کشورهای عربی بطور جداگانه مبتنی بوده است. این کشور با تشدید اختلاف میان کشورها سعی کرده است تا از هماهنگی و اتفاق نظر میان این کشورها در برابر مسائل خاورمیانه بویژه مسأله فلسطین جلوگیری کند.

انتفاضة، وجدانهای عربی را بار دیگر بیدار ساخت به شکلی که آنها را بر آن داشت تا در مقابل رژیم صهیونیستی و طرحهایی که ارائه می‌کند، موضعی هماهنگ ابراز کنند. فلسطین در پی انتفاضة به صحنه‌های سیاسی، فرهنگی، ادبی و هنری جوامع عربی و اسلامی وارد شد. تا پیش از وقوع انتفاضة از دید بسیاری از کشورهای عربی فلسطین مشکل خود فلسطینی‌ها به شمار می‌آمد. هر یک تصمیم داشتند تا بطور جداگانه مشکلات خود را با اسرائیل حل کنند، اما با وقوع انتفاضة، فلسطین بار دیگر در محور منازعه عربی - اسرائیلی قرار گرفته است. امروز جهان عرب از امکان تحقق قیام عربی که

تمامی مسائل منطقه از جمله فلسطین را در بر می‌گیرد، سخن می‌راند.

امروز اگر به مواضع رسمی، که از سوی رهبران کشورهای چوچون مصر، اردن، و سایر کشورهای عربی اتخاذ شود نگاهی بیندازیم، ملاحظه خواهیم کرد که همه از ملت فلسطین و قیام او حمایت می‌کنند. میان گروه‌ها و جریانات سیاسی داخلی این کشورها در برابر فلسطین اتفاق نظر بی‌سابقه‌ای حاصل شده است. مطبوعات کشورهای عربی از استمرار انتفاضه و ضرورت کمک‌های مالی و اقتصادی به انتفاضه سخن می‌گویند. تمامی این تحولات بویژه تحول در نگرش کشورهای عربی و جریانات سیاسی به فلسطین و پذیرش انتفاضه به عنوان گزینه‌ای مطلوب برای تحقق حقوق مشروع فلسطین از مهمترین دستاوردهای قیام ملت فلسطین به شمار می‌آید.

۵- توقف روند عادی‌سازی با اسرائیل

تا قبل از وقوع انتفاضه، عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی یکی از سیاست‌های اصلی کشورهای عربی بود. البته عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و اسرائیل یکی از هدف‌های مهم این کشور از زمان تأسیس به شمار می‌رفته است. اسرائیل که از مشروعیت قابل‌قبولی در میان کشورهای منطقه برخوردار نبود، برقراری روابط دیپلماتیک میان این رژیم با کشورهای عربی می‌توانست به این بحران پایان دهد. بنابراین اسرائیل همواره در هر مذاکره‌ای با کشورهای عربی بر برقراری روابط سیاسی تأکید داشته است. برقراری روابط سیاسی میان مصر و اسرائیل پس از معاهده کمپ‌دیوید، برقراری روابط میان دولت خودمختار و اسرائیل، برقراری روابط میان اردن و اسرائیل، گشایش دفترهای اقتصادی اسرائیل در عمان و قطر، امضای قراردادهای همکاری اقتصادی و نظامی میان ترکیه و اسرائیل همه بیانگر این مهم است که این کشور تا حدود زیادی موفق شده بود به وضعیت خصومت آمیز گذشته میان خود و کشورهای منطقه پایان دهد. این وضعیت در حالی بود که رژیم اشغالگر هنوز حاضر نشده بود

بسیاری از مشکلات منطقه بویژه مشکل فلسطین حل گردد. به رغم اینکه این رژیم برای برقراری روابط با کشورهای منطقه شتاب می‌ورزید، حاضر نبود به طرف مقابل امتیازی بدهد.

اما شروع انتفاضه مسجدالاقصی بار دیگر در برابر گزینه سازش با رژیم صهیونیستی سؤال بزرگی را مطرح کرد و بر تردیدی که میان کشورهای عربی و اسلامی برای برقراری رابطه با این رژیم وجود داشت، پایان داد و بار دیگر منازعه را جایگزین شکل‌های مختلف عادی‌سازی روابط با این رژیم کرد. انتفاضه موجب شد کشورهای عربی که در سال‌های گذشته موافقتنامه‌های صلح با اسرائیل را امضا کرده بودند و بطور آشکار در جهت برقراری روابط با این رژیم قدم برمی‌داشتند، این روند را متوقف سازند. در پایتخت این کشورها ما شاهد برگزاری تظاهرات و راهپیماییها در حمایت از ملت فلسطین بودیم. اقدامات وحشیانه‌ای که رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها انجام داده بود، برخوردهای خونین شارون با فلسطینی‌ها، احساسات مردمی کشورهای عربی را چنان جریحه‌دار ساخته بود که مردم این کشورها در شعارهای خود تقاضای قطع روابط با این کشور را می‌کردند. در بسیاری از محافل سیاسی و میان گروه‌های سیاسی این کشورها برنامه‌هایی برای رویارویی با سازش مورد توجه قرار گرفت.

۶- ارتقای مسأله فلسطین از سطح نازل به سطح عالی در افکار عمومی

بین‌المللی

تا پیش از وقوع انتفاضه، فلسطین در سطوح بین‌المللی از جایگاه نازلی برخوردار بود. افکار عمومی بر این باور بود که با امضای قراردادهای صلح میان تشکیلات خودگردان و اسرائیل مسائل فلسطین حل و فصل شده است. با امضای قرارداد اسلو، مسائل مهمی چون ایجاد کشور مستقل فلسطینی، مسأله بیت‌المقدس، بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین خود، همه در چارچوب این قرارداد حل شده و دیگر دلیلی برای اجرای

قطعنامه‌های بین‌المللی وجود ندارد.

وقوع انتفاضه موجب شد نگرش حاکم بر افکار عمومی بین‌المللی نسبت به فلسطین تغییر کند و آن را از جایگاه نازل در سطح بین‌المللی به جایگاهی عالی ارتقا دهد. از سوی دیگر انتفاضه موجب شد تا تلاشهای گمراه‌کننده‌ای را که در صدد بود تا قضیه فلسطین را با امضای قرارداد اسلو پایان‌یافته تلقی کند و بسیاری گمان می‌کردند که حقوق فلسطینی‌ها برای همیشه از بین رفته است با شکست روبه‌رو سازد و بار دیگر فلسطین را در کانون توجه بین‌المللی قرار دهد.

امروز بسیاری از کشورهای عربی و گروه‌های سیاسی منطقه، تأکید می‌کنند پرونده فلسطین باید به سازمان ملل متحد منتقل شود و بار دیگر قطعنامه‌های مشروع بین‌المللی، مرجع و مبنای هر نوع مذاکره و گفتگویی قرار گیرد و از مبنا قرار گرفتن موافقتنامه اسلو و سایر قراردادها جلوگیری شود^(۲۴).

اقامة دعوی علیه شارون در دادگاه بلژیک از سوی گروهی از بلژیکیها و مغربها و فلسطینی‌ها و تقاضای محاکمه شارون به دلیل کشتار فلسطینی‌ها در اردوگاه‌های صبرا و شتیلا، بیانگر توجه بین‌المللی به فلسطین است. فاجعه صبرا و شتیلا ۲۰ سال پیش به دست شارون اتفاق افتاد. قانون بلژیک در خصوص رویارویی با جنایتکارانی که مرتکب جنایات ضدبشری می‌شوند در دادگاه‌های بلژیک، در سال ۱۹۹۳ به تصویب رسید، اما چرا در حال حاضر این قانون در مورد عامل فاجعه صبرا و شتیلا مطرح می‌شود؟ این به دلیل انتفاضه‌ای است که در فلسطین در حال جریان است. پس از اینکه آریل شارون در اسرائیل قدرت را در دست گرفت و واکنش خونینی که نسبت به انتفاضه داشت، افکار عمومی جهان را نسبت به رژیم اشغالگر متحول ساخت. شارون نه در داخل اسرائیل و نه در سطح بین‌المللی از وجهه مطلوبی برخوردار نیست. برخورد خونین و وحشیانه او با انتفاضه نیز موجب تغییر نگرش بین‌المللی نسبت به این کشور شده است. عدم استقبال

تونی بلر از شارون در دیداری که سال گذشته از انگلستان داشت، دلیلی بر تغییر افکار عمومی جهان نسبت به شارون و اسرائیل است، تونی بلر نخست‌وزیر انگلستان ادعا می‌کند به دلیل کمی وقت با شارون دیدار نمی‌کند (۲۵).

۷- احیای فرهنگ شهادت‌طلبی در جامعه فلسطین

بدون تردید باید گفت که واژه شهادت و شهادت‌طلبی این روزها یکی از محورهای اساسی انتفاضه ملت فلسطین است. انتقال چنین فرهنگی از جامعه شیعی به جامعه‌ای سنی مذهب، دستاوردی بسیار بزرگ در معادلات منازعه فلسطینی‌ها با رژیم صهیونیستی به شمار می‌آید. شاید یکی از دلایلی که در پنجاه سال اخیر قیام فلسطینی‌ها را به نتیجه مطلوبی نرساند، نبود عاملی چون شهادت به شکلی که امروز در انتفاضه معمول است، بوده است.

نکته قابل ذکر این است که فرهنگ شهادت و شهادت‌طلبی در مکتب تشیع از جایگاه والایی برخوردار، و همواره در تحقق اهداف جوامع شیعی نقش مهمی داشته است. هر چند تفکر سنی نیز به هیچ‌وجه با مفهوم شهادت بیگانه نیست، این مفهوم در تفکر سنی، مقام محوری ندارد؛ زیرا اسلام سنی از شخصیت مذهبی مانند امام حسین (ع)، که در راه عقیده خود فدا شده باشد، الهام نمی‌گیرد. اما در تشیع اثنی‌عشری، موضوع شهادت امام حسین (ع) و سایر ائمه (ع) محوری است. امام حسین (ع) با قربانی کردن جان خود در راه اسلام تکلیف بعدی شیعیان و موضوع رنج و مشقت (تحمل دشواری در راه آرمان خود) را مشخص کرد. بدین‌سان فدا کردن جان خود، رفتاری معنوی به منظور تقرب به خداست، در عین حال در این عمل معنوی، اهداف سیاسی نیز حاصل می‌شود.

با وجود این حقیقت در ماه‌های اخیر، جهان شاهد تأیید عملیات استشهادی از سوی علمای سنی مذهب کشورهای مختلف عربی بوده است. به رغم اینکه مفاهیمی چون

شهادت با قیام امام حسین (ع) ارتباط تنگاتنگی دارد، صدور فتاوایی از سوی علمای سنی مذهب، بیانگر همسویی استراتژیک علمای شیعه و سنی در برابر مسأله فلسطین است. علمای شیعه عملیات استشهادی فلسطینی‌ها را، که به منظور آزادی سرزمین مقدس فلسطین از زیر سلطه قوای اشغالگر صهیونیست صورت می‌گیرد با اجماع بی‌نظیری جایز و مشروع دانسته‌اند. البته چنین فتاوایی زمانی مطرح شد که عده‌ای از علمای سنی با بیان مسائلی که این شائبه را ایجاد می‌کرد که عملیات استشهادی اقدامی انتحاری است، قصد داشتند روند مزبور را متوقف سازند؛ اما با ورود علمای مشهور سنی به صحنه و صدور فتاوایی مبنی بر مشروعیت عملیاتهای استشهادی این شائبه‌ها از بین رفت.

علمای سنی الازهر قاهره و سایر کشورهای عربی عملیات استشهادی را مصداق روشن جهاد فی سبیل الله دانسته‌اند. این علما بر این عقیده‌اند که ریشه چنین اقداماتی در اسلام نهفته است، بنابراین میان خودکشی و شهادت، مرز بزرگی است. در اینجا به فتوای یکی از علمای سنی اشاره می‌کنیم. شیخ احمد کفتارو، مفتی اعظم سوریه، عملیات شهادت طلبانه علیه صهیونیستها را جایز و مشروع دانسته، مجریان این عملیات را شهیدانی می‌داند که از جانب خداوند به آنها و عده بهشت داده شده است. این عالم سنی درباره نامگذاری عملیات شهادت طلبانه به انتحاری می‌گوید:

گویی می‌خواهند مردم را متقاعد کنند که این عمل نوعی خودکشی است که رذیلتی بزرگ هم نزد خدا و هم نزد مردم به شمار می‌رود. چه شخصی که اقدام به خودکشی می‌کند نیت و هدفش کشتن و از بین بردن خویش است و بس؛ در حالی که شهادت طلب، نیت و هدفش پیروزی حق و یاری اسلام و آزادسازی سرزمین واقع در معرض تجاوز و ظلم و بازیابی آزادی و کرامت برای امت، ملت و نسلهای بعد از خویش است (۲۶).

تغییر افکار عمومی جهان نسبت به اسرائیل و تأکید مجامع بین‌المللی مبنی بر توقف اقدامات تجاوزکارانه این کشور علیه فلسطینی‌ها و تقاضا برای اجرای قطعنامه‌های بین‌المللی مرتبط با فلسطین یکی از دستاوردهای قابل توجه انتفاضه در دو سال اخیر به شمار می‌آید.

۸- موانع انتفاضه

به رغم دستاوردهای قابل توجهی که انتفاضه محقق ساخته و توانسته است افکار عمومی جهانی را تحت تأثیر قرار دهد، در عین حال با برخی تهدیدات و خطرهای نیز روبه‌رو است. چنانچه شناخت دقیقی نسبت به این خطرهای و تهدیدات به عمل نیاید، چه بسا انتفاضه قبل از تحقق اهدافش با شکست روبه‌رو شود. بنابراین بر تمامی گروه‌ها و رهبران فلسطینی و سایر کشورهای عربی و اسلامی لازم است تا تهدیدها و خطرهای احتمالی را خوب ارزیابی و شناسایی، و سپس ضمن برخورد مناسب با این تهدیدات از آثار احتمالی آن بر روند انتفاضه جلوگیری کنند. در این بخش مهمترین تهدیدات و خطرهایی که انتفاضه را تهدید می‌کند بررسی و تحلیل می‌شود:

۱- تهدیدات اقتصادی

بدون تردید پشتوانه اساسی انتفاضه، روحیه مذهبی و معنوی جوانان فلسطینی است که ملت فلسطین توانسته است بدون سلاح برای مدت زمانی طولانی در برابر ارتش تا دندان مسلح اسرائیل بایستد. روحیه شهادت‌طلبی در میان جوانان فلسطینی امروز کابوسی برای اسرائیل است که نه سلاحهای پیشرفته، یارای مقاومت در برابر آن را دارد و نه بمبهای اتمی می‌تواند با آن رویارویی کند. به رغم چنین امتیازی برای انتفاضه و به رغم وجود اراده‌ای قوی در ملت فلسطین برای استمرار انتفاضه، نباید از این مسأله مهم غافل بود که اسرائیل تلاش گسترده‌ای را به کار گرفته است تا با از بین بردن پشتوانه اقتصادی قیام فلسطینی‌ها، آنان را از ادامه نبرد بازدارد.

بدون شک محاصره اقتصادی مناطق خودمختار فلسطین با هدف در تنگنا قرار دادن فلسطینی‌ها از لحاظ اقتصادی و سرانجام به تحلیل بردن توان اقتصادی مردم فلسطین صورت می‌گیرد. اسرائیل به دلیل وابستگی اقتصادی فلسطین به اقتصاد این رژیم سعی می‌کند با قطع این ارتباط و از سوی دیگر با جلوگیری از فرستادن کمکهای اقتصادی کشورهای عربی و اسلامی، پشتوانه‌های اقتصادی این قیام را درهم شکند.

طولانی شدن انتفاضه و ورود فلسطینی‌ها به جنگی فرسایشی این احتمال را ایجاب می‌کند تا مردم فلسطین از ادامه مبارزه خسته شوند و بی‌اینکه به اهداف انتفاضه دست یابند، مبارزه خود را متوقف سازند. بنابراین بر تمامی کشورهای عربی و اسلامی لازم است کمکهای اقتصادی و مالی لازم را در اختیار ملت فلسطین قرار دهند. این کمکها تا حدود زیادی می‌تواند از پیامدها و آثار محاصره اقتصادی اسرائیل علیه مناطق خودمختار بکاهد.

۲- موانع سیاسی

دو سال از انتفاضه مسجدالاقصی می‌گذرد. در این مدت انتفاضه توانسته است متغیرهای جدیدی را وارد سنزاعه اعراب و اسرائیل بویژه گفتگوهای فلسطینی و اسرائیلی سازد. یکی از موانع مهم انتفاضه، این است که رهبران فلسطینی مذاکرات صلح را به همان روش و چارچوب گذشته ادامه دهند. برخی از رهبران فلسطینی به رغم تحولات جدیدی که در عرصه مبارزه با رژیم صهیونیستی اتفاق افتاده است، باز بر همان روش گذشته تأکید می‌کنند. البته فشارهای زیادی از سوی برخی از کشورهای جهان بویژه آمریکا بر رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین وجود دارد، مبنی بر اینکه مذاکرات صلح را چون گذشته از سرگیرند و خشونت را متوقف سازند. از سرگیری مذاکرات به روش گذشته بدین معنا خواهد بود که انتفاضه دو ساله فلسطینی‌ها تنها مانعی بر سر راه صلح بوده و هیچ تحول جدیدی را به وجود نیاورده است؛ حتی ممکن است

این سؤال مطرح شود که اگر انتفاضه به وجود نمی‌آمد، امروز مذاکرات صلح به نتیجه رسیده بود؛ اما بر رهبری فلسطین لازم است در موقعیتی مذاکرات صلح را با توجه به متغیرهای جدیدی که انتفاضه به وجود آورده است از سرگیرد. از سرگیری مذاکرات صلح بدون توجه به دستاوردهای انتفاضه و بدون اعتنا به اهداف انتفاضه، می‌تواند میان رهبران انتفاضه این نگرانی را ایجاد کند که برخی از شرکت‌کنندگان در انتفاضه ممکن است با ورود به کانالهای سری و برقراری تماسهای سری به اهداف انتفاضه پشت کنند، در نتیجه این روند را متوقف سازند.

همچنین برخی از این مسأله‌نگران هستند که موافقتنامه‌های صلح به توقف تظاهرات و عملیاتها منجر خواهد شد و این امر زمینه را برای تبادل اتهامات میان نیروهای فلسطینی و دولت خودمختار فلسطین فراهم خواهد ساخت (۲۷). چنین وضعیتی به وحدت ملی، که در نتیجه انتفاضه میان گروه‌ها و جریانات سیاسی فلسطینی به وجود آمده است، ضربه بزرگی خواهد زد. چون همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، یکی از آثار منفی قرارداد اسلو و گفتگوهای سری میان ساف و اسرائیل، این بود که در صفوف فلسطینی‌ها تفرقه و انفکاک بزرگی را ایجاد کرد. آثار منفی این مذاکرات و امضای قرارداد تا امروز حتی پس از وقوع انتفاضه ادامه داشته است. همچنین لازم به یادآوری است که یکی از عوامل مهمی که انتفاضه اول (۱۹۸۷) را متوقف ساخت، موافقتنامه اسلو بود. از سرگیری گفتگوهای صلح به همان روش گذشته و امضای قراردادهای صلح مشابه گذشته شاید یکی از مهمترین خطراتی است که انتفاضه در آینده با آن روبه‌رو است.

۳- درگیر شدن فلسطینی‌ها در جنگی فرسایشی

یکی دیگر از خطرهای انتفاضه وارد شدن مبارزان انتفاضه در جنگی فرسایشی است. نکته قابل توجه اینکه اسرائیل سال ۲۰۰۰، اسرائیل سال ۱۹۸۷ نیست. انتفاضه الاقصی نیز انتفاضه اواخر دهه هشتاد نیست، بنابراین رژیم اشغالگر با نگاهی کارشناسانه به

رویارویی با انتفاضه پرداخته و برخورد با آن را دگرگون ساخته است. سازمانهای نظامی و امنیتی، خود را برای رویارویی با انتفاضه از قبل آماده ساخته‌اند. رژیم صهیونیستی این قدرت را یافته است که چگونه با پیامدهای احتمالی انتفاضه برخورد کند. این رژیم روشهای بدیعی را برای رویارویی با انتفاضه ابداع کرده است. بنابراین انتفاضه مسجدالاقصی مانند انتفاضه اول، حادثه‌ای غیرمنتظره نیست، بلکه این رژیم از قبل آمادگیهای لازم را برای رویارویی با این پدیده، مهیا ساخته است.

از زمان وقوع انتفاضه ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ در دوره نخست‌وزیری باراک تاکنون سیاست واحدی بر اسرائیل حاکم بوده است و آن اینکه باید با وارد ساختن ملت فلسطین در جنگی فرسایشی، آن را در برابر خواسته‌ها و شروط اسرائیل به تسلیم واداشت. در رویاروییهای روزانه که میان فلسطینی‌ها و نیروهای اشغالگر پیش می‌آید خسارات زیادی در همه زمینه‌ها به ملت فلسطین وارد می‌شود. این خسارات با خساراتی که به دشمن وارد می‌شود قابل مقایسه نیست. بنابراین با توجه به اینکه ملت فلسطین از امکانات و تواناییهای تسلیحاتی دشمن برخوردار نیست، وی با استفاده از پیشرفته‌ترین سلاحهای روز، اردوگاه‌ها، منازل، سازمانها و رهبران فلسطینی را مورد هدف قرار داده است. بیم این می‌رود ملت فلسطین با وارد شدن در جنگی فرسایشی از ادامه نبرد خسته شود.

البته اگر فلسطینی‌ها می‌توانستند تعادلی در میزان خسارات و تلفات وارد شده به دشمن به وجود آورند، این امر می‌توانست به ایجاد بحثها و مناقشات زیادی در جامعه صهیونیستی منجر شود و بر رهبران صهیونیستی فشار وارد سازد تا به مطالبات فلسطینی‌ها پاسخ دهند. اما این رژیم برای اینکه مواضع رهبری فلسطینی را تضعیف کند، در برابر هر نوع عمل خشونتبار از سوی فلسطینی‌ها با بمباران، تخریب و کشتارهای جمعی پاسخ می‌دهد و از این طریق می‌خواهد با افزایش خسارات و تلفات چنین وانمود سازد که این انتفاضه و استمرار آن است که موجب چنین خساراتی می‌شود.

۴- اعمال فشار برای توقف انتفاضه

استمرار انتفاضه و طولانی شدن آن موجب شده است فشارهای گوناگونی برای توقف آن صورت گیرد. از یک سو فشار از سوی حامیان اسرائیل بویژه آمریکا برای توقف انتفاضه وجود دارد. از سوی دیگر فشارهایی از سوی رهبران فلسطینی برای توقف این روند وجود دارد. این کشورها و رهبران آن بدون اینکه طرف متجاوز را به دلیل ارتکاب کشتارهای گسترده در فلسطین محکوم سازند و یا اینکه راه حل روشنی برای تحقق مطالبات مشروع فلسطینی ها ارائه کنند، یا اینکه حداقل به تحقیق درباره علل وقوع انتفاضه پردازند مکرراً تقاضا می کنند که خشونتها متوقف گردد. به عنوان نمونه عرفات رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین در ژوئن ۲۰۰۱ میلادی با صدور اطلاعیه ای عملیات شهادت طلبانه فلسطینی ها را محکوم می کند و دستور آتش بس می دهد؛ سپس هماهنگیهای امنیتی را با اسرائیل تحت نظارت آمریکا آغاز می کند (۲۸).

در حالی که دشمن از تمامی سلاحهای پیشرفته از هواپیماهای F16 و هلیکوپترهای آپاچی گرفته تا موشکها و سلاحهای پیشرفته آمریکایی برای سرکوب و ترور فلسطینی ها استفاده می کند، برخی درخواست می کنند تیراندازی از سوی فلسطینی ها متوقف شود (۲۹). چنین اعمال فشارهایی از سوی برخی کشورها می تواند تهدیدی مهم برای انتفاضه مسجدالاقصى باشد.

۵- بی توجهی وسایل تبلیغاتی عربی به انتفاضه

وقتی اسرائیل به رغم تجاوزات گسترده اش علیه فلسطینی ها از حمایت و پوشش تبلیغاتی وسیع رسانه ها و خیرگزاریه های غربی و صهیونیستی در جهان برخوردار است و به رغم اقدامات وحشیانه این رژیم چهره ای مطلوب بلکه مظلوم از او در این رسانه ها به تصویر کشیده می شود، محافل تبلیغاتی و رسانه ای عربی و اسلامی اهتمام قابل توجهی نسبت به انتفاضه ملت فلسطین مبذول نداشته اند. در محافل تبلیغاتی عربی مسائل مربوط

به فلسطین به مسائل درجه دو تنزل پیدا کرده است.

این نکته روشن است در وضعیتی که ملت قهرمان فلسطین بدون داشتن سلاح مناسب به رویارویی با دشمنی که تا دندان مسلح است پرداخته، شایسته است رسانه‌های عربی، همراهی و همدلی بیشتری با آن به عمل آورند. رسانه‌های عربی و اسلامی باید اخبار قهرمانیهای ملت فلسطین را در صدر اخبار خود قرار دهند و ماهیت تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی را برای ملتهای خود افشا کنند.

بدین ترتیب بی‌توجهی به انتفاضه در رسانه‌ها و مطبوعات عربی و اسلامی موجب خواهد شد تا اراده مجاهدین فلسطینی برای استمرار مبارزه با دشمن، متزلزل شود و آنها احساس کنند که در مبارزه با دشمن تا دندان مسلح، تنها هستند و در نتیجه، روحیه خود را برای استمرار مبارزه از دست بدهند.

از زمان شروع انتفاضه تاکنون رسانه‌های گروهی غرب در سطح وسیعی اخبار مربوط به انتفاضه را منعکس کرده‌اند. مطبوعات غربی در تحلیلها و گزارشهای خود عمدتاً طرف اسرائیلی را مظلوم جلوه داده و اقدامات تجاوزکارانه صهیونیستها را تلاش برای دفاع از خود قلمداد کرده‌اند، این مطبوعات در تحلیلهای خود بر این نکته تأکید کرده‌اند که برای اسرائیل هر درگیری خیابانی، تاکتیکی و دفاعی بوده و در پاسخ به ضرورت دفاع از جان و مال مردم صورت گرفته است^(۳۰).

نکته قابل توجه اینکه طی سه ماه اول انتفاضه تمامی مجلات و روزنامه‌های مشهور سیاسی غرب به درج گزارشها و مصاحبه‌هایی درباره انتفاضه پرداختند؛ اما در هیچ‌یک از این رسانه‌ها مصاحبه‌ای با طرفهای فلسطینی و حتی اعضای حکومت خودگردان صورت نگرفت. در حالی که با دولتمردان سابق و کنونی اسرائیل، نتانیا هو، باراک، شارون و شیمون پرز هر روز مصاحبه می‌شد و محور این مصاحبه در ضدیت با فلسطینی‌ها بود. آیا در چنین موقعیت تبلیغاتی، بی‌توجهی مطبوعات و جراید عربی و اسلامی به انتفاضه، تهدیدی برای انتفاضه تلقی نمی‌شود؟

انتفاضه مسجدالاقصی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر

حادثه ۱۱ سپتامبر، که در آن مهمترین نمادهای اقتصادی و نظامی آمریکا مورد حمله قرار گرفت، تمامی جهان را تحت تأثیر قرار داد. تا پیش از این حادثه، استراتژی جهانی آمریکا با توجه به پارادایم روابط شرق و غرب و مبارزه با کمونیسم، تدوین شده بود؛ اما پس از این حادثه این استراتژی دگرگون شد و اندیشه مبارزه با تروریسم، مبنای سیاستهای جهانی آمریکا قرار گرفت. حملات ۱۱ سپتامبر موجب نگرانی عمیق مسئولان امنیتی آمریکا گردید، چون برای اولین بار بود که در طول تاریخ آمریکا، امنیت این کشور در درون مرزهایش مورد تهدید قرار می‌گرفت.

هنگامی که حادثه ۱۱ سپتامبر رخ داد، انتفاضه مسجدالاقصی در آستانه ورود به دومین سال خود بود. همانطور که در صفحات پیشین این نوشتار بیان شد، انتفاضه مسجدالاقصی در سال قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر، دستاوردهای زیادی را برای فلسطینی‌ها محقق کرده بود تا جایی که افکار عمومی جهانی در حمایت و تأیید قیام فلسطینی‌ها بطرز بی‌سابقه‌ای بسیج شده بود. وضعیت پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر، تنگناهای زیادی را برای سیاستهای رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا در منطقه به وجود آورده بود، اما با وضعیتی که پس از ۱۱ سپتامبر در نظام بین‌المللی به وجود آمد، ناگهان چالشهای جدیدی فراروی انتفاضه قرار گرفت، البته اوضاع پس از ۱۱ سپتامبر به توقف انتفاضه منجر نشد، اما آن را با مشکلاتی روبه‌رو ساخت که می‌تواند در استمرار و تداوم آن خلل ایجاد کند.

در نخستین روزهای پس از ۱۱ سپتامبر، با مواضعی که در حمایت از ایجاد کشور مستقل فلسطین توسط رئیس جمهوری آمریکا اعلام شد، این امید می‌رفت که آمریکا پس از این حادثه تصمیم گرفته است تغییرات جدی در سیاستهای خاورمیانه‌ای خود ایجاد کند؛ اما با گذشت زمان و پایان عملیات نظامی در افغانستان، ناگهان موضع این

کشور تغییر کرد. این امر بدین علت بود که حمایت از تأسیس کشور مستقل فلسطین در روزهای اول پس از حادثه، بیشتر با هدف جلب همکاری کشورهای عربی و اسلامی برای ایجاد ائتلافی جهانی برای حمله به افغانستان بود، اما پس از پیروزی در افغانستان دیگر به تداوم این مواضع نیازی نداشتند.

آنچه در اینجا از اهمیت بیشتری برخوردار است، همدردی بی سابقه و گسترده رهبران رژیم صهیونیستی با مقامات آمریکایی به دلیل حادثه‌ای بود که در این کشور اتفاق افتاده بود. بدون تردید همدردی تل آویو با آمریکا در چنین سطح گسترده‌ای واقعاً به دلیل عمق این واقعه نبود، بلکه رهبران این رژیم با تبلیغات گسترده‌ای که به راه انداختند و در تبلیغات خود مسلمانان و اعراب را به عنوان متهم اصلی این حادثه معرفی کردند، می‌کوشیدند حداکثر بهره‌برداری را از وضعیت به وجود آمده، برای سرکوبی قیام فلسطینی‌ها به عمل آورند. لایبهای صهیونیسم در آمریکا و سایر نقاط جهان تلاش گسترده‌ای کردند تا افکار عمومی جهان را متقاعد سازند به اینکه تفاوتی میان اقدامات فلسطینی‌ها که به دلیل آزادسازی اراضی اشغالی فلسطین مبارزه می‌کنند و آنچه تروریستها در اراضی آمریکا انجام دادند، وجود ندارد.

در واقع باید گفت تا پیش از حادثه ۱۱ سپتامبر، انتفاضه ملت فلسطین از جایگاه مطلوبی برخوردار بود، به گونه‌ای که بسیاری از کشورها از جمله کشورهای اروپایی از سیاست سرکوبگرانه آریل شارون انتقاد می‌کردند، مردم این کشورها از طریق راهپیمایی، تظاهرات و تجمعات گوناگون، نسبت به اقدامات این رژیم علیه فلسطینی‌ها اعتراض می‌کردند. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر با تبلیغات گسترده صهیونیستها در سطح جهان، نگرش افکار عمومی نیز تا حدودی تغییر کرد. توضیح اینکه هرگاه مجامع بین‌المللی، اسرائیل را به دلیل جنایاتش، که فجیعترین آن در اردوگاه جنین بود تحت فشار قرار می‌داد، این رژیم استدلال می‌کرد، ما همان کاری را در فلسطین انجام

می‌دهیم که آمریکاییها و برخی از دولتهای غرب در افغانستان انجام می‌دهند. بدین ترتیب مهمترین چالشی که پس از ۱۱ سپتامبر فراروی انتفاضه قرار دارد، تغییراتی است که در نگاه برخی از کشورها نسبت به انتفاضه به وجود آمده است. حتی در صفوف خود فلسطینی‌ها که تا پیش از این حادثه در استمرار انتفاضه متحد و منسجم بودند، اما پس از آن ما شاهد اختلافاتی میان آنها بر سر توقف یا ادامه آن هستیم. در اینجا ضرورت دارد کشورهای عربی و اسلامی از طریق تبلیغاتی مناسب افکار عمومی را با حقیقت آنچه در اراضی اشغالی می‌گذرد، آگاه سازند. امروز روشن ساختن این واقعیت که میان قیام آزادیبخش و اقدام تروریستی تفاوت زیادی وجود دارد، می‌تواند تبلیغات صهیونیستی را در اوضاع خاص پس از ۱۱ سپتامبر خنثی سازد.

نتیجه‌گیری

انتفاضه مسجدالاقصی، در منازعه اعراب و اسرائیل تحولی مهم است. از آنجا که انتفاضه ملت فلسطین، حرکتی آگاهانه و با اهدافی مشخص به شمار می‌آید، می‌توان با آن به عنوان گزینه‌ای مناسب برای تحقق حقوق مشروع ملت فلسطین برخورد کرد. انتفاضه در دو سال گذشته دستاوردهای بسیار مهمی را محقق ساخته است. این دستاوردها می‌تواند تحولات جدیدی را در منازعه عربی - اسرائیلی بویژه فلسطینی‌ها با رژیم صهیونیستی وارد سازد. مشکلات سیاسی و اقتصادی که در داخل اسرائیل به سبب انتفاضه به وجود آمده است، در واقع بر افسانه شکست‌ناپذیری این کشور خط بطلان کشید. وحدت و انسجامی که میان کشورهای منطقه از یک سو و میان گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در نتیجه انتفاضه پدید آمد، موجب شد بار دیگر مسأله فلسطین به عنوان آرمان مشترک عربی و اسلامی مطرح شود. کشورهای عربی که تا پیش از وقوع انتفاضه سرعت در حال عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بودند با شروع انتفاضه

این روند را متوقف ساختند و به این نتیجه رسیدند با رژیمی که هنوز به همان سیاستهای گذشته خود ادامه می‌دهد و حاضر نیست امتیازی به طرف مقابل بدهد، برقراری روابط کاری بیهوده و عبث است.

انتفاضه مسجدالاقصی بار دیگر مسأله فلسطین را در کانون توجه افکار بین‌المللی قرار داد. تا پیش از انتفاضه مجامع بین‌المللی نیز دیگر به مسائل فلسطین توجهی نداشتند، چون با امضای قرارداد اسلو و سایر قراردادهای، مسأله فلسطین را پایان یافته اعلام می‌کردند، اما وقوع انتفاضه بار دیگر مجامع جهانی را بر آن داشت تا از حقوق فلسطینی‌ها صحبت کنند و از اجرای قطعنامه‌های بین‌المللی درخصوص فلسطین سخن گویند. در وضعیتی که انتفاضه در منطقه پدید آورده بر تمامی رهبران عربی و اسلامی بویژه رهبری فلسطین لازم است تا با رژیم صهیونیستی از موضع قدرت برخورد کنند و تمامی حقوقی را که تاکنون این رژیم از تحقق آن برای ملت فلسطین جلوگیری کرده است، بازگردانند.

البته به این مهم باید اشاره کرد که پس از حوادث ۱۱ سپتامبر رژیم صهیونیستی با استفاده از اوضاع جدید در محیط بین‌المللی می‌کوشد قیام فلسطینی‌ها را اقدامات تروریستی قلمداد نماید که این روزها آمریکا مدعی مبارزه با آن است. بنابراین بر کشورهای عرب و اسلامی لازم است با تبلیغات مناسب خود، تفاوت میان مبارزه‌ای آزادبخش را با اقدامات تروریستی برای افکار عمومی جهان بویژه غرب، روشن سازند.

امروز سخن گفتن از توقف انتفاضه و از سرگیری مذاکرات سازش به همان روش گذشته، از خطرهایی است که انتفاضه را با مشکل روبه‌رو خواهد ساخت. عدم همراهی کشورهای عربی و اسلامی با انتفاضه، تنها گذاشتن فلسطینی‌ها در عرصه‌های اقتصادی، بی‌توجهی به قهرمانیهای انتفاضه در مطبوعات و رسانه‌های عربی و اسلامی همه می‌تواند

به شکست انتفاضه منجر شود؛ امری که دشمن صهیونیستی از ابتدای انتفاضه در صدد تحقق آن بوده است. اسرائیل از همان ابتدا کوشیده است انتفاضه مسجد الاقصی قبل از تحقق هدفهایش با شکست روبه‌رو شود.

یادداشتها:

- ۱- الاهرام، ۱۸ مه ۲۰۰۱.
- ۲- فصلنامه مطالعات فلسطین، سال اول، شماره سوم، بهار ۱۳۷۹، ص ۶۴.
- ۳- بخشی از قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل متحد تصریح می‌کند، پناهندگان علاقه‌مند به سرزمینشان و زندگی صلح‌آمیز با همسایگانشان، می‌توانند در اولین فرصت ممکن به آن اقدام کنند.
- ۴- مجله الهدف، العدد: ۱۳۱۵.
- ۵- الاخبار، ۲۰۰۱/۷/۱.
- ۶- الجمهوریه، ۱۴ ژوئن ۲۰۰۱.
- ۷- الاهرام، ۵ ژوئن ۲۰۰۱.
- ۸- همان منبع.
- ۹- روزنامه اطلاعات، ۱۳ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۱۲.
- ۱۰- صوت الازهر، العدد ۸۷.
- ۱۱- مجله الهدف، العدد ۱۳۱۶، ۳۱ آذر ۲۰۰۱.
- ۱۲- الاخبار، ۸ ژوئن ۲۰۰۱.
- ۱۳- الاهرام، ۵ ژوئن ۲۰۰۱.
- ۱۴- همان منبع.
- ۱۵- فصلنامه مطالعات فلسطین، سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۸۰، ص ۲۳۰.
- ۱۶- همان منبع.
- ۱۷- مجله الهدف، العدد ۱۳۱۴، ۳۱ کانون الثانی ۲۰۰۱.
- ۱۸- الاهرام، ۲۵ ژوئن ۲۰۰۱.
- ۱۹- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۵۴ اردیبهشت ۱۳۸۰، ص ۷.
- ۲۰- علیرضا ازغندی، جلیل روشندن، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، (تهران: سمت، ۱۳۷۴)، ص ۲۰۴.
- ۲۱- الاهرام، ۵ ژوئن ۲۰۰۱.
- ۲۲- روزنامه اطلاعات، ۱ مرداد ۱۳۸۰.
- ۲۳- همان منبع.
- ۲۴- مجله الهدف، العدد ۱۳۱۳، ۳۰ نisan ۲۰۰۱.
- ۲۵- الاهرام، ۲۵ یونیو ۲۰۰۱.

- ۲۶- الشرق الاوسط، ۲۹/۷/۲۰۰۲.
- ۲۷- فصلنامه مطالعات فلسطین، سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۸۰، ص ۲۳۲.
- ۲۸- الاهرام، ژوئن ۲۰۰۱.
- ۲۹- مجله الهدف، العدد ۱۳۱۳، ۳۱ کانون اول ۲۰۰۰.
- ۳۰- روزنامه اطلاعات، ۴ اردیبهشت ۱۳۸۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی